



تاثیر توسعه روح کارآفرینی بر قصد راه اندازی کسب و کار در میان کارآموزان فنی و حرفه ای خوزستان

حسین بوعمار^۱
بهادر ریاحی پور^۲

چکیده

ظرفیت دولتها برای ایجاد اشتغال محدود است. جمعیت جویای کار در صورتیکه به سمت ایجاد اشتغال ترغیب شوند ابزار ترقی و پیشرفت هر جامعه ای را تضمین میکنند. اخیرا مطالعات بر روی روحیه کارآفرینی در حال توسعه است و برخی از تحقیقات نقش آموزش کارآفرینی را در این زمینه پررنگ می دانند. این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر توسعه روح کارآفرینی و قصد راه اندازی کسب و کار و درمیان کارآموزان فنی و حرفه ای استان خوزستان انجام گردید. مطالعه به صورت طولی و در بازه زمانی ۶ ماهه انجام گرفت. دو گروه از کارآموزان به عنوان گروه کنترل متشکل از ۱۱۰ نفر و گروه آزمایش ۱۶۰ نفر پسر و دختر از مهارتهای متفاوت انتخاب شدند. ابتدا از طریق داده کاوی و همبستگی، عوامل تاثیر گذار و ارتباط آنها شناسایی گردید. سپس آزمون T مستقل بر روی دو گروه برای شناخت تاثیرات متغیرها صورت گرفت. نتایج بدست آمده نشان دهنده آن است که گرایش به کارآفرینی در گروه مستقل ضعیف است و گذراندن دوره آموزشی، سرگروهها و اساتید انگیزشی باعث تقویت این مورد می گردد.

کلید واژگان: روح کارآفرینی، کارآفرینی، قصد راه اندازی کسب و کار، انگیزش.

^۱. دانشجوی دکتری کارآفرینی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ۰۹۱۶۱۱۱۸۳۶۱ hosseinboazar@yahoo.com

^۲. کارشناس اداره کل فنی و حرفه ای خوزستان، بلوار سپیدار اهواز، ۰۹۱۶۳۱۳۰۹۳۸ و bhadorriahi@gmail.com



The Impact of Developing an Entrepreneurial Spirit on Intention to Start-up business among students in Khuzestan Technical and Vocational Training

Hossein Boazar
Bhador riahi pour

Abstract

While the number of developing entrepreneurial spirit is growing, their impact is under-researched and studies paint an ambiguous picture of the impact of entrepreneurship education. This dissertation study therefore aims to contribute to the understanding of the impact of Developing an Entrepreneurial Spirit on Intention to Start-up business among students. This study was performed In the form of longitudinal studies in the -month period. Two groups of Students (a control group and the test group) of different skills were select. First, through data mining and correlation, identified effective factors. Then we performed T-test was on the two groups to determine the effect of variables. The results show that the entrepreneurial orientation of independent groups is poor and spent the course, leaders and motivational teachers can be that strong.

Keywords: Entrepreneurial Spirit, Intention to Start-up business, motivation, Khuzestan Technical and Vocational Training.



مقدمه

میزان بیکاری در ایران نزدیک به یک چهارم است. حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران زیر ۳۵ سال سن دارند. مرکز آمار ایران میزان بیکاری جوانان را ۲۱/۸ درصد اعلام کرده که تقریباً دو برابر نرخ متوسط بیکاری در ایران است. نرخ بیکاری در استان‌های مختلف ایران متفاوت است. اما اغلب نرخ بیکاری در استان‌های مرز نشین از دیگر نقاط ایران بالاتر است (تابناک، ۱۳۹۱). دولت در دو سال گذشته حجم زیادی از منابع بانکی را به سمت بنگاه‌های زودبازده هدایت کرده بلکه بتواند از فشار بیکاران بکاهد اما برآوردهای رسمی نشان می‌دهد که تلاش دولت تأثیر چندانی بر کاهش نرخ بیکاری نداشته است. (تابناک، ۱۳۹۳) نرخ بیکاری در میان تحصیل کردگان دانشگاه‌های کشور نیز کم نیست. علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی میانه‌های خرداد ماه ۱۳۹۴ در حاشیه همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال گفت: هم اکنون ۴۰ درصد از بیکاران کشور دانش‌آموخته دانشگاه هستند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴).

استفاده از ابزارهای توسعه کارآفرینی باعث کاهش نرخ بیکاری در کشور می‌گردد (بهشتی و همکاران ۱۳۸۸). کارآفرینی یکی از ضروریات هزاره جدید است، عصر فراگیری فناوریهای نوظهور، تغییر و تحولات در عرصه مبادلات بشری و رقابت شدید و بیرحمانه در عالم کسب و کار است، در چنین فضایی کار آفرینی به مثابه عامل رشد، توسعه و نیز یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در رشد چشم انداز مطلوب هر جامعه ای یاد می‌شود که نقش بزرگی در به چالش کشیدن انسانهای عصر پست مدرن دارد (کلارک^۱، ۲۰۰۴). در رویکرد اقتصادی کارآفرینی، کارآفرین به عنوان مبتکر، سازمان دهنده و ریسک پذیر توصیف شده است. از طرف دیگر رویکردهای روانشناختی، کارآفرین را فردی با شخصیت، انگیزه‌ها و رفتار خاص تعریف کرده و به دنبال کشف شخصیت کارآفرین هستند (بامول^۲، ۱۹۹۳). همزمان با آشکار شدن تأثیر کارآفرینی بر روند اشتغال زایی و رشد اقتصادی، تلاش در جهت آموزش و تعمیم دانش و روحیه کارآفرینانه در بین مدیران، تجار و دانشجویان و کارآفرینان بالفعل شدت گرفت (احمدپور و مقیمی، ۱۳۸۹).

اگرچه مباحث مربوط به کارآفرینی به ویژه کارآفرینی دانشی عمر چندانی ندارند بنابراین آموزش مهارتهای کسب و کار و کارآفرینی در مراکز فنی و حرفه ای، باعث رسیدن به اهداف کارآفرینی که یکی از آنها افزایش قصد راه اندازی کسب و کار است را باعث خواهد شد. از این رو با توجه به ضرورت موضوع و با توجه به سابقه آموزش کارآفرینی در مراکز فنی و حرفه ای این پژوهش چگونگی توسعه روحیه کارآفرینی و افزایش قصد راه اندازی کسب و کار در میان کارآموزان مراکز فنی و حرفه ای خوزستان را مطالعه می‌کند.

سوال تحقیق این است که چگونه می‌توان روح کارآفرینی را در میان کارآموزان ترویج داده و عوامل مؤثر بر کارآفرینی را پیدا کرد؟ هدف از این مطالعه القای روح کارآفرینی است که در واقع این عبارت، اگرچه به طور گسترده ای استفاده می‌شود، اما هنوز به درستی در ادبیات تعریف نشده است و دقیقاً چگونگی آموزش روشهای القای آن بیان نشده است. این مسئله با پیشنهاد فرضیه‌هایی در جهت ایجاد یک مدل از چگونگی آموزش روح کارآفرینی در میان کارآموزان فنی و حرفه ای بوجود آمده است.

مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

^۱ Clark

^۲ Baumol



آموزش فعالیتی معطوف به پیشرفت کارآموز در امر یادگیری است، به شیوه ای که یگانگی و گنجایش فکری او را برای قضاوت مستقل تأمین می سازد. علم کارآفرینی را نیز میتوان آموزش داد. (کوراتکو ۲۰۰۵) آموزش کارآفرینی بر سطح گرایشها، فعالیتها و اشتیاق کارآفرینانه تأثیر میگذارد و این امر به نوبه خود بر توسعه کسب و کارهای جدید در اقتصاد موثر است. (زالی و همکاران، ۲۹۲۳، ص ۴۱)

آموزشهای فنی و حرفه ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر ایفا میکنند. این آموزشها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصاد این کشورها هستند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی به حل مشکل بیکاری نیز کمک میکنند. آموزشهای فنی و حرفه ای با همراه کردن مهارتهای نظری و عملی این امکان را برای آموزش گیرنده مهیا می کنند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته باشد و از این طریقی امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیتهای اقتصادی اجتماعی فراهم شود (سلیمی فر و مرتضوی، ۱۳۸۴)

لینان و همکاران^۱ (۲۰۰۵) بیان می کنند که تا مدتها محققان بیشتر بر عوامل جمعیت شناختی همچون جنس، سن و تجربه کاری تأکید می کردند اما محدودیت قابل پیش بینی این عوامل به مرور مشخص شد و محققان بسیاری چون آجزن^۲ (۱۹۹۱)، شاپیرو و سوکل^۳ (۱۹۸۲)، گارتنر^۴ (۱۹۸۹) به انتقاد از عواملی پرداختند که پیش بینی کننده های قوی برای قصد راه اندازی کسب و کار هستند. در مدل تحقیق حاضر به تأثیر آموزشهای کارآفرینی بر قصد راه اندازی کسب و کار پرداخته ایم این مدل ترکیبی از مدل آجزن (۱۹۹۱) و مدل شاپیرو و سوکل (۱۹۸۲) است که با افزودن یک جز اضافی به عنوان روحیه کارآفرینی به معنای ایجاد و توسعه مجموعه ای از الگوهای فکری در طول زمان که کارآفرین را قادر می کند در مقایسه با دیگران به طور موثرتری به درک، پالایش، تجزیه و تحلیل، تصمیم و عمل بر مبنای فرصتها اقدام کند.

در این مدل، روحیه کارآفرینانه بیشتر سبب نگرش واقعبینانه تر فرد نسبت به فعالیت کارآفرینی می شود همچنین آگاهی بیشتری را درباره حرفه آینده برای شخص فراهم کرده و قصد راه اندازی کسب و کار جدید توسط فرد را واقعی می نماید که قسمت عمده ای از این روحیه انگیزشی را میتوان از طریق آموزش ایجاد کرد.

لینان معتقد است این آموزشها را در چهار دسته میتوان طبقه بندی کرد: (لینان ۲۰۰۱)

۱- آموزش آگاهی کارآفرینانه. هدف این آموزشها افزایش آگاهی کارآفرینانه در افراد است. از این رو این نوع آموزش به طور مستقیم سبب ایجاد کارآفرینان بیشتر نمی شود بلکه، بر یک یا چند جز که قصد را مشخص میکنند تأثیرگذار است ۲- آموزش راه اندازی ۳- آموزش پویایی کارآفرینانه ۴- آموزش مستمر کارآفرینان. دیگر عوامل تأثیرگذار بر قصد کارآفرین شدن در این مدل نیز بدین صورت تعریف میشوند: نگرشهای فردی، به میزان ارزشیابی مثبت یا منفی افراد در مورد کارآفرین بودن اشاره دارد. (لینان و چن ۲۰۰۹) نگرشها، پاسخهای ارادی، شناختی و احساسی افراد نسبت به اشیا، سایر افراد، خودشان یا مسائل اجتماعی هستند. (نلسون و کوک^۵ ۱۹۹۹) تکالیف اجتماعی درک شده برای انجام رفتار معین را ارزشهای اجتماعی می گویند. این متغیر نیز تأثیر عوامل اجتماعی مانند نگرشهای فرهنگی، گروهها و شبکه های اجتماعی، خانواده، دوستان، همکاران و دیگران است.

اساتید انگیزشی نیز عامل محرک دیگری در توسعه روحیه کارآفرینی هستند. آموزش کارآفرینی مبیایست از طریق اینگونه افراد که خود روحیه کارآفرینی دارند و تجاربیدر راه اندازی کسب و کارها داشته اند صورت می گیرد. با توجه به مطالب ذکر شده در فوق فرضیه های پژوهش به صورت زیر نمایش داده می شوند.

^۱ Linan et al

^۲ Ajezn

^۳ Shapiro & Sokel

^۴ Gartner

^۵ Nelson & Quick



- فرضیه ۱. روحیه کارآفرینی بر بهبود قصد راه اندازی کسب و کار در میان کارآموزان فنی و حرفه ای تأثیرگذار است.
- فرضیه ۲. روحیه کارآفرینی بر نگرش های فردی کارآموزان فنی و حرفه ای تأثیرگذار است.
- فرضیه ۳. روحیه کارآفرینی بر هنجارهای اجتماعی درک شده کارآموزان فنی و حرفه ای تأثیرگذار است.
- فرضیه ۴. اساتید انگیزشی بر افزایش روحیه کارآفرینی و قصد راه اندازی کسب و کارهای جدید تأثیرگذار هستند.

روش شناسی

در بیشتر پژوهش های علوم انسانی نظر به اینکه هدف اصلی از انجام پژوهش بررسی یک موضوع به روش میدانی است می توان گفت پژوهش مذکور از نظر هدف در حیطه پژوهش های کاربردی می باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در این پژوهش از روش های مطالعه کتابخانه ای و نیز روشهای میدانی و پرسشنامه استفاده شده است، می توان بیان کرد که پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش گردآوری داده ها، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است. در این پژوهش از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد که در آن هردو گروه آزمایش و کنترل دو بار مورد اندازه گیری قرار گرفتند. ابتدا برای سنجش روحیه کارآفرینی پیش آزمونی به صورت همزمان از هردو گروه گرفته شد و سپس پس آزمون در گروه کنترل و آزمایش صورت گرفت. گروهی که آموزش دریافت کردند، گروه آزمایش و گروهی که آموزشی دریافت نکردند، گروه کنترل نامیده می شوند.

گروه آزمایش، براساس نظریه روحیه کارآفرینی در طی سه جلسه چهار ساعته دوره آموزشی طراحی شده تحت آموزش قرار گرفتند و در طول دوره نیز با استفاده از اساتید انگیزشی مفاهیم و روحیه کارآفرینی در افراد القا شد. مواردی مانند: آشنایی با اهداف جلسات، مفهوم، ضرورت و لزوم کارآفرینی، مهارتهای انجام کار، تواناییهای ذاتی و محیطی، شناخت خود، معرفی خلاقیت کارآفرینانه، خودکارآمدی، پذیرش خود و معرفی الگوی موفقیت، ریسک پذیری، کنترل داخلی، نوآوری و در آخر انگیزه پیشرفت کارآفرینان مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش که از نوع شبه تجربی است با استفاده از روش های آماری پیشرفته مانند تجزیه و تحلیل واریانس، این فرصت را می یابد تا میزان تاثیر دو یا چند متغیر مستقل را بر متغیر وابسته، مورد مطالعه قرار دهد، همچنین این فرصت را می یابد تا اثرات متغیرهای مستقل اصلی بر متغیر وابسته را تعیین کند. در این روش تحقیق، تمام متغیرها ثابت و تحت کنترل خواهند بود، غیر از آن دسته از متغیرهایی که محقق آنها را آزاد می گذارد و یا دستکاری می کند. این روش مشخص می کند که: القای روحیه کارآفرینی سبب پیشرفت کارآموزان و قصد آنها به راه اندازی کسب و کار می گردد یا نه. حجم کل جامعه ی آماری در گروه آزمایش ۲۷۰ کارآموز است که برپایه ی محاسبه ی حجم نمونه از فرمول کوکران تعداد ۱۶۰ کارآموز با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و تعداد ۱۱۰ کارآموز نیز به عنوان نمونه ی گروه کنترل و به صورت هدفمند انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه قصد کارآفرینانه و روحیه کارآفرینی صمد آقایی (۲۰۰۶) است. که بعد از انجام تست روایی توسط اساتید کارآفرینی استخراج شد. و همچنین با آزمون پایلوت بر روی دیگری آزموده شده و اصلاحات لازم در محتوا و ظاهر انجام شده است. متغیر روحیه کارآفرینی و متغیر قصد راه اندازی کسب و کار، با سه عامل تعیین کننده، نگرش فردی، عوامل اجتماعی و اساتید انگیزشی براساس سنوآل هایی در قالب سوالهای گزینه ای مقیاس لیکرت، اندازه گیری می کند. برای بررسی پایایی پرسشنامه ی مورد نظر از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ۹۳ درصد برای پایایی پرسشنامه به دست آمد که مورد قبول است. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شده است. در سطح آمار توصیفی از شاخصهای گرایش مرکزی مانند میانگین، میانه و مد و شاخصهای پراکندگی هم چون انحراف استاندارد استفاده شده و در سطح آمار استنباطی برای آزمون فرضیات از آزمون بین دو گروه با آزمون t گروه های مستقل مقایسه ی میانگین دو جامعه و آزمون مقایسه ی زوجی استفاده شده است. آزمون مقایسه میانگین دو جامعه هنگامی



استفاده می شود که محقق می خواهد مقدار یک متغیر را در دو گروه کاملاً مستقل آزمون کند و آزمون مقایسه‌ی زوجی به طور معمول برای پژوهش‌های تجربی و نشان دادن تاثیر یک نوع مداخله استفاده می شود و دو متغیر مربوط به یک جامعه را بررسی می کند.

یافته ها

یافته ها در دو قسمت توصیف جمعیت شناختی پاسخ دهندگان و آزمون فرضیات ارایه شده است که در این بخش گزارش می شوند.
ویژگیهای جمعیت شناختی و فردی پاسخ دهندگان به شرح جدول زیر است.

جدول (۱) ویژگیهای فردی پاسخ دهندگان

متغیر	طبقه بندی	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سن	زیر ۲۰ سال	۱۹	۱۱.۸	۱۴	۱۵.۴
	۲۰-۳۰	۶۸	۴۲.۵	۴۵	۴۹.۵
	۳۰-۴۰	۴۷	۲۹.۳	۴۳	۴۷.۳
تجربه کاری	بالاتر از ۴۰ سال	۲۶	۱۶.۲	۱۸	۸.۸
	دارای تجربه	۳۱	۱۹.۳	۱۶	۱۴.۵
جنسیت	فاقد تجربه	۱۲۹	۸۰.۶	۹۴	۸۵.۴
	مرد	۷۳	۴۳	۵۲	۴۷.۲
تحصیلات	زن	۸۷	۵۷	۵۸	۵۲.۷
	سیکل	۲۴	۱۵	۹	۸
	دیپلم	۶۳	۳۹.۳	۵۳	۴۸
	کاردانی یا کارشناسی	۶۲	۳۸.۷	۴۲	۳۸
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۱	۶.۸	۶	۵.۴

در جدول ۲، در بعد تحلیل اولویت عوامل، عدد معنی داری برای آزمون فریدمن در گروه های آزمایش و کنترل برابر ۰/۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است. این عدد نشان می دهد از نظر میانگین نمی توان این عوامل را با هم برابر دانست.

جدول شماره (۲) رتبه بندی متغیرهای تحقیق در گروه های آزمایش و کنترل

متغیر تحقیق	میانگین رتبه در گروه مستقل	میانگین رتبه در گروه آزمایش
قصد راه اندازی کسب و کار	۵/۲۸	۴/۶۷
نگرشهای فردی	۲/۸۵	۲/۶۲
هنجارهای اجتماعی درک شده	۴/۸۷	۴/۷۳
اساتید انگیزشی	۲/۸۹	۳/۵۵
روحیه کارآفرینی	۱/۰۸	۱/۰۷

در بخش تحلیل داده های پژوهش و بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق (قصد راه اندازی کسب و کار، نگرش های فردی، هنجارهای اجتماعی درک شده، اساتید انگیزشی، سرگروههای فعال و روحیه کارآفرینی) از آزمون میانگین یک جامعه یا به عبارتی از آزمون t یک نمونه ای استفاده شده است که در واقع تفاوت بین میانگین نمونه مورد بررسی را با مقدار مفروض μ ۳= می آزماید.



جدول (۳) بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق در گروه های آزمایش و کنترل

متغیرهای تحقیق	گروه آزمایش			گروه کنترل		
	ضریب معنی داری	آماره t بحرانی	میانگین	ضریب معنی داری	آماره t بحرانی	میانگین
قصد راه اندازی کسب و کار	۰/۰۰	۸/۱۸	۳/۶۲	۰/۰۰	۴/۸۳	۳/۳۲
نگرش های فردی	۰/۰۰	۱۰/۳۹	۳/۶۶	۰/۰۰	۱۲/۷۷	۳/۷۰
هنجارهای اجتماعی درک شده	۰/۰۱	-۲/۱۷	۲/۵۵	۰/۰۰	-۴/۸۷	۲/۷۵
اساتید انگیزشی	۰/۰۰	۴/۴۶	۳/۳۳	۰/۰۶	-۱/۸۸	۲/۸۸
روحیه کارآفرینی	۰/۰۰	-۳۴/۱۷	۱/۰۷	۰/۰۰	-۳۸/۱۳	۱/۰۷

از آنجا که با انجام این آزمون در مورد مقایسه وضعیت متغیرهای تحقیق در گروه های آزمایش و کنترل نمی توان به درستی اظهار نظر کرد، متعاقباً از آزمون میانگین دو جامعه یا آزمون t مستقل نیز استفاده شده است. بر اساس نتایج آزمون t مستقل مشاهده می شود که میانگین شاخص های قصد راه اندازی کسب و کار، هنجارهای اجتماعی درک شده و اساتید انگیزشی در گروه دریافت کننده آموزش درس کارآفرینی افزایش یافته است. در جدول ۵، نتایج آزمون t مربوط به متغیرهای پژوهش آمده است. نتایج t-test انجام شده بر روی دو گروه مستقل دریافت کننده آموزش و غیر دریافت کننده در جدول ۳ نشان داد که نشان داد که نشان داد کته سطح معنی داری قصد راه اندازی کسب و کار ۰/۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می توان گفت قصد راه اندازی کسب و کار کارآموزان گروه آزمایش و کنترل اختلاف معنی داری دارد به عبارت دیگر، میانگین قصد راه اندازی کسب و کار گروه آزمایش در انتهای دوره آموزشی از میانگین قصد راه اندازی کسب و کار گروه کنترل بزرگتر است و این بدان معناست که القای روحیه کارآفرینی بر قصد راه اندازی کسب و کار کارآموزان موثر می باشد. و فرضیه اول تحقیق تأیید می شود. همچنین، با توجه به جدول ۳ مشاهده می شود که سطح معنی داری آزمون t انجام شده در مورد متغیر اساتید انگیزشی ۰/۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین این اختلاف معنی داری در گروههای کنترل و آزمایش مشاهده و این فرضیه نیز تأیید می شود. در مورد فرضیه های ۲ و ۴ اختلاف معنی داری مشاهده نمی شود و هر دو آنها با اختلاف ۱۶/۶۴ و ۰/۹۸ بزرگتر از ۰/۰۵ می باشند و مورد قبول قرار نمی گیرند یعنی اختلاف معنی داری میان گروههای آزمایش و کنترل وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر قصد راه اندازی کسب و کار کارآموزان فنی و حرفه ای انجام شد. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که القای روحیه کارآفرینی بر قصد راه اندازی کسب و کار تأثیرگذار است. قصد راه اندازی کسب و کار در مطالعات پرینس و چینونی^۱ (۲۰۱۰)، فایول و همکاران (۲۰۰۶) و حسینی (۱۳۷۸) در سال های گذشته آزموده شده است. نتایج مطالعه فایول و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که برنامه های آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی در گروه هایی از دانشجویان که قبلاً در دوره آموزش کارآفرینی شرکت نکرده بودند دیده شد ولی تأثیر آموزش بر قصد کارآفرینی دانشجویان که قبلاً آموزش های کارآفرینی را سپری کرده بودند دیده نشد. حسینی در نتایج پایان نامه خود بیان می کند که قصد کارآفرینی دانشجویان دوره کارشناسی ارشد کارآفرینی پس از گذراندن دوره آموزشی تغییر معناداری نمی کند اما سایر مطالعات ذکر شده در این زمینه فرضیه تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی دانشجویان را تأیید کردند. در این پژوهش نیز فرضیه تأثیرگذاری آموزش بر نگرش های فردی تأیید نشد. فرضیه تأثیرگذاری آموزش کارآفرینی بر نگرش های فردی نیز

^۱ Prince & chinouni



در مطالعات گذشته آزموده شده است. همچنین، فرضیه تأثیرگذاری القای روحیه کارآفرینی بر هنجارهای اجتماعی درک شده در این پژوهش تأیید نشد که تأییدی بر مطالعات انجام شده پیشین در این زمینه در مطالعات فایول و همکاران در سال های گذشته است. مطالعه فایول نشان داد که برنامه های آموزش کارآفرینی بر هنجارهای اجتماعی گروه هایی که قبلاً آموزشهای کارآفرینی را سپری کرده بودند دیده نشد. تأثیر روحیه کارآفرینی بر نگرش کارآموزان نسبت به اساتید انگیزشی در این پژوهش تأیید شد. تأثیر روحیه کارآفرینی بر درک کارآموزان از اساتید انگیزشی نیز در مطالعات گرائلی و همکاران ۱۳۹۰ نقش معلمان انگیزشی در بالا بردن سطح کارآفرینی و قصد راه اندازی کسب و کار را تأیید کرده بودند.

نتایج تحقیق حاضر مشخص کرد که القای روحیه کارآفرینی می تواند به ایجاد قصد راه اندازی کسب و کار در کارآموزان منجر شود. بنابراین پیشنهاد می شود که ابعاد القای روحیه کارآفرینی همچون استفاده از اساتید انگیزشی، محتوای دروس، شیوه تدریس و آموزش کارآفرینی همراه با پرورش احساس کارآمدی و موفقیت در میان کارآموزان فنی و حرفه ای توجه شود. دیدار با افراد موفق و انسانهای انگیزشی و استفاده از اساتیدی که خود در جریان کسب و کارها قرار گرفته و به اشکالی کارآفرینی کرده اند از توصیه های اصلی این تحقیق به مسئولان امر است. القای روحیه کارآفرینی در افراد با افرادی که این روحیه را دریافت نکرده بودند تفاوت معنی داری را نشان می دهد بهتر است مهارت های کسب و کار در مراکز فنی و حرفه ای با تأکید بر ارتقای سطح روحیه کارآفرینانه کارآموزان بازنگری شود چرا که اولین نتیجه مورد انتظار از ایجاد روحیه کارآفرینی، افزایش سطح راه اندازی کسب و کارهای جدید است.

منابع

- احمد پور داریانی، م. مقیمی، س. (۱۳۸۹). مبانی کارآفرینی. تهران، نشر فراندیش.
- بهشتی، م. خیرآور، م. قزوینیان، ح. (۱۳۸۸). بررسی رابطه علی بین کارآفرینی و بیکاری در بخش صنعت ایران. فراسوی مدیریت، سال سوم شماره ۱۱، ص ۱۵۷-۱۸۳.
- زالی، م. رضوی، م. فارسی، ی. کردنائیج، ا. (۱۳۹۱). ارزیابی وضعیت کارآفرینی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- سلیمی فر، م. مرتضوی، س. (۱۳۸۶). سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنتی و حرفه ای (مورد مطالعاتی خراسان)، دانش و توسعه، صص ۶۹-۲۵.
- گرائلی، ش. پارسا، ر. پارسا، ع. (۱۳۹۰)، بررسی نقش معلم در پرورش ویژگی های شخصیتی کارآفرینی فراگیران، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت.
- یک پنجم خانواده های ایرانی شغل ندارند. تابناک، ۲۷ فروردین ۱۳۹۱. بازبینی شده در ۲۸ فروردین ۱۳۹۱.
- ۲۴ درصد خانوارهای ایرانی شاغلی ندارند. بازبینی شده در ۲۰۱۴/۱۱/۱۶.
- ۴۰ درصد بیکاران کشور دانشگاهی هستند. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) بازبینی شده در ۱۳۹۴/۹/۲۸

- Ajzen, I., (), The theory of planned behavior, Organizational Behavior and Human Decision Process, Vol. , No. , pp. - .
- Baumol, W. J. (), Entrepreneurship, management, and the structure of payoffs, Cambridge, MA: MIT Press Macmillan.
- Bosma, N., and Levie, J. (), Global Report. Global Entrepreneurship Monitor.
- Clark, B. R. (). The Entrepreneurship University Demand and Response.
- Dellabarca, R (), Understanding the opportunity recognition process in entrepreneurship and consideration of whether serial entrepreneurs undertake opportunity recognition better than novice entrepreneurs, MBA Dissertation. University of Cambridge. Expectations, Journal of American Academy of Business, Vol. , No. , pp. - .
- Douglas, D, and shepherd, D. (). entrepreneurship as autitlymaximinzing response. *Journal of Business Venturing*, (), - .



- Fayolle, A.; Gailly, B.; Narjisse, L.C., (), Effect and counter-effect of entrepreneurship education and social context on student's intentions, *Estudios de Economía Aplicada*, Vol. , No. , pp. - .
- Henry, C. Hill, F. Leitch, C. (). Can entrepreneurship be taught, part Education Training , Vol. , pp. - .
- Keith M. Hmieleski and Andrew C. Corbett (), Proclivity for Improvisation as a Predictor of Entrepreneurial Intentions, *Journal of Small Business Management*, Vol. , No. , pp. - .
- Kuratko, D.F. (), The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trends, and Challenges, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. , No. , pp. - .
- Kuratko, D.F. (), The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trends, and Challenges, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. , No. , pp. - .
- Lee, L., Wong, P. K., Foo, M. D., and Leung, A. (), Entrepreneurial intentions: The influence of organizational and individual factors. *Journal of Business Venturing*. Vol, , pp. - .
- Liñán, F. (), Intention-based models of entrepreneurship education, *Piccola Impresa Small Business*, Vol. , pp. - .
- Liñán, F., Rodríguez-Cohard, J. C., Rueda Cantuche, José M. (), Factors affecting entrepreneurial intention levels: a role for education, *International Entrepreneurship and Management Journal*, Vol, , No. , pp. - .
- Liñán, F., and Chen, Y. W. (), Development and cross-cultural application of a specific instrument to measure entrepreneurial intentions, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. , No. , pp. - .
- Matviuk, S.G. (), A Study of Peruvian Entrepreneurs Leadership, *Journal of American Academy of Business* Vol. , No. , pp. - .
- Nabi, G. and Liñán, F. (), Graduate entrepreneurship in the developing world: intentions, education and development, *Education and Training*, Vol. , No. , pp. - .
- Nelson Debra, L. and Quick, J.C. (), *Organizational Theory: Foundations, Realities and Challenges*, second edition, New York, West Publishing Company.
- Phillips, J. L. (). *Mentors and protégés*. New York: Arbor House.
- Samadaghai, J (). *The essence of entrepreneurial creativity*. Second edition, Tehran: Tehran University.
- Wilson, F., Kickul, J., and Marlino, D. (), Gender, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial career intentions: Implications for entrepreneurship education, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. , No. , pp. - .
- Zhao, H., Hills, G.E., and Seibert, S.E. (), The mediating role of self-efficacy in the development of entrepreneurial intentions, *Journal of Applied Psychology*, Vol. , No. , pp. - .